چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۸۴
irannewspaper irannewspapper

بررسی رابطه واشنگتن - پکن در گفت و گوی فارن پالیسی با مشاور دولت بایدن در امور چین

موضع مشترک بایدن و ترامپ در مورد چین

گفت و گو

گروه بین الملل- دیدار اخیر دونالد ترامپ و شی جین پینگ تحلیل‌های مختلفی از گفت‌وگوی رهبران آمریکا و چین را در فضای سیاست بین‌الملل شکل داد. اگرچه برخی با توجه به تفاهم تجاری موقت ترامپ و شی، معتقدند این اقدام یک آتش‌بس مقطعی در رقابت پرتنش ۲ قدرت جهانی محسوب می‌شود، اما برای عده‌ای دیگر از کارشناسانی که روابط واشنگتن-پکن را دنبال می‌کنند، ماحصل و نتایج ملاقات ۲ هفته قبل رؤسای جمهوری آمریکا و چین در پایتخت کره جنوبی، پتانسیل تغییر در این رابطه را ندارد، رابطه‌ای که در آن قدرت فزاینده چین، بزرگترین تهدید امنیت ملی ایالات متحده محسوب می‌شود و دونالد ترامپ حتی اگر بخواهد، با واقعیت‌های کنونی در نسبت خصمانه میان آمریکا و چین، فرصت یک معامله بزرگ با پکن را نخواهد داشت. از این نقطه نظر، راهبرد چینی آمریکا در دوره اول ترامپ، بایدن و ترامپ ۲ در اهداف کلی، کاملاً همراستا هستند.

این نکته‌ای بود که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید در دولت بایدن به آن اذعان و سیاست‌های تهاجمی ترامپ علیه چین را تأیید کرده است. با وجود آنکه به نظر می‌رسد رؤسای جمهوری ایالات متحده و چین با دستاوردهایی که هر دو می‌توانند آنها را پیروزی بنامند، از این دیدار خارج شده‌اند اما به گفته یک پژوهشگر ارشد چین، توافق بین دو طرف نه تنها به یک سال محدود می‌شد، بلکه مسائل ساختاری اساسی‌تری را که این رابطه را آزار می‌داد نیز در برگرفت. این مقام آمریکایی در عین حال نتایج دیدار ترامپ و شی را دارای شانس زیادی برای تغییر در تنش کنونی میان ۲ کشور نمی‌بیند. اکونومی اکنون عضو ارشد مؤسسه هوور و نویسنده کتاب «جهان به روایت چین» است.

راوی آگراوال، سردبیر فارن پالیسی در مورد نکات کلیدی این دیدار، چگونگی نگرش پکن به دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ و اینکه در مجموع، کشورهای آسیایی چگونه به بزرگترین رویارویی ابرقدرت‌ها در این قرن نگاه می‌کنند، با الیزابت اکونومی، مشاور سابق دولت بایدن بحث کرده است.

دیدار بین ترامپ و شی جین پینگ، مورد انتظارترین دیدار سال بود. دو رهبر از دو اقتصاد بزرگ جهان برای اولین بار پس از شش سال با یکدیگر دیدار کردند، دیداری که پیامدهای عظیمی برای کل جهان داشت. طیف گسترده‌ای از نتایج بالقوه از افتضاح تا خوب، وجود داشت. برداشت اصلی شما از این دیدار چه بود؟

در نهایت اوضاع بهتر از افتضاح شد. ما تقریباً از رئوس مطالب این توافق تجاری مطلع بودیم، زیرا اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری [ایالات متحده]، طیف وسیعی از توافق‌های کوچک را که قرار بود از قبل منعقد شوند، منتشر کرد.

دیدار این دو رهبر مایه آسودگی خاطر است، چرا که قرار است کمی ثبات بیشتر به روابط دوجانبه تزریق شود. اما از سوی دیگر، این دیدار برای دولت ترامپ کمی شرم‌آور نیز هست، زیرا نتیجه این دیدار این بود که دولت تا حدی توانست خود را از چاله‌ای که هشت ماه پیش با آغاز جنگ تجاری ایجاد کرده بود، بیرون بکشد. خوب است که دو رهبر برای تنظیم مجدد میز تجارت گرد هم آمدند، اما اساساً ما را به وضعیت قبل از جنگ تجاری ترامپ بازگرداند، البته با چند استثنای کوچک در مورد فنتانیل و توافق احتمالی تیک تاک.

ترامپ در راه بازگشت به آمریکا، به این نشست نمره ۱۲ از ۱۰ داد؛ پکن محتاط‌تر بوده است. این تفاوت را چگونه تفسیر می‌کنید؟

راستش را بخواهید، همیشه همین طور است، چون ترامپ به کلمات فانتزی و بزرگ تمایل دارد. او تقریباً با تمام معاملات تجاری همین کار را کرده است - همه آنها بزرگ‌ترین معامله تاریخ هستند. چینی‌ها روی هم رفته بسیار محتاط‌تر هستند. آنچه آنها باید می‌گفتند منعکس کننده واقعیت اوضاع است، یعنی اینکه هیچ یک از طرفین واقعاً چیز زیادی از این معامله به دست نیاوردند.

در آستانه این نشست صحبت‌های زیادی مبنی بر احتمال نوعی آشتی بزرگ بین ایالات متحده و چین وجود داشت، تا حدودی به این دلیل که مردم می‌گویند ترامپ متوجه شده است که باید از درگیری مستقیم با چین اجتناب کند و در عوض به دنبال یک استراتژی پوشش ریسک باشد. برای طرفداران این نظریه، جلسه اخیر به عنوان مدرکی دال بر این بود که ترامپ اکنون در حال پایان دادن به رویکرد تهاجمی خود در قبال چین است که حدود یک دهه پیش آغاز کرده بود. آیا شما این نظریه را قبول دارید؟

من این طور فکر نمی‌کنم. در واقع من این را بسیار متفاوت می‌بینم. گام‌هایی که ترامپ در داخل کشور برمی‌دارد، می‌تواند ایالات متحده را در برخورد با چین تضعیف کند؛ برای مثال، کاهش بودجه تحقیقات پایه و سرمایه‌گذاری در علم و فناوری. اما فکر نمی‌کنم این به معنای نرمش او در برابر چین باشد. استراتژی چین اساساً محصول جانبی دستور کار «اول آمریکا» است. ما رهبری ایالات متحده را در صحنه جهانی در مورد تغییرات اقلیمی و مسائل بهداشت جهانی از روی میز برداشته‌ایم. ما علاقه‌ای به رقابت با چین برای رهبری در آنجا نداریم. ما گفته‌ایم که سیاست خارجی ایدئولوژیک نداریم، بنابراین دیگر در دنیای استبداد در مقابل دموکراسی نیستیم. شما این زبان را از ترامپ نمی‌شنوید. اما این بدان معنا نیست که ما در زمینه فناوری یا در استراتژی امنیت ملی و دفاعی رقابت نمی‌کنیم. رئیس جمهوری گفته است که می‌خواهد مجموعه فناوری خود را به سطح جهانی صادر کند؛ ما در طول این سفر اخیر شاهد انعقاد تعدادی از معاملات مهم بین ژاپن، کره جنوبی و ایالات متحده در زمینه فناوری و امنیت ملی بودیم. مارکو روبیو وزیر امور خارجه و پیت هگست وزیر دفاع، هر دو در موارد متعددی بر اهمیت امنیت در هند و اقیانوسیه تأکید کرده‌اند. بنابراین، دولت ترامپ همچنان در این بخش‌ها در مورد چین چشم‌انداز بسیار رقابتی دارد و هیچ بازنگری در مورد چین به عنوان بزرگ‌ترین چالش امنیت ملی بلندمدت ما صورت نگرفته است، اما وقتی صحبت از سایر حوزه‌های قدرت نرم می‌شود مطمئناً از آن نقش سنتی خود عقب‌نشینی کرده‌ایم.

آیا در سیاست آمریکا در قبال چین بین دولت‌های ترامپ و بایدن، بیش از آنچه برخی تحلیلگران ادعا می‌کنند، ثبات وجود دارد؟ تفاوت‌های بزرگ چیست و خطوط اصلی این سیاست‌ها کدامند؟

استراتژی دولت بایدن - که من از نزدیک با آن آشنا هستم و چند سال در آنجا کار کرده‌ام - سرمایه‌گذاری، همسوسازی و رقابت بود. در سمت سرمایه‌گذاری، قانون کاهش تورم که در مورد پیشبرد ایالات متحده در فضای انرژی پاک بود، کاهش یافته است. این قانون کاملاً از بین نرفته است، اما مطمئناً اولویت اصلی ترامپ نیست. بنابراین، ما شاهد برخی تغییرات در آن هستیم.

اما ایده سرمایه‌گذاری در ایالات متحده و بازگرداندن تولید (که از اولویت‌های دوره اول ترامپ، بایدن و ترامپ ۲ بود) یک خط مشی واقعاً مهم است. هم دولت بایدن و هم دولت ترامپ ممکن است روش‌های متفاوتی برای دستیابی به این اهداف داشته باشند، اما خود اهداف یکسان باقی می‌مانند.

تفاوت بزرگ دیگر این است که جو بایدن رئیس جمهوری سابق آمریکا، رقابت با چین را به عنوان استبداد در مقابل دموکراسی مطرح کرد. این موضوع اکنون منتفی است. ترامپ علاقه‌ای به رقابت بین مدل‌ها ندارد. او تمایلی به تمایز قائل شدن بین استبدادها و دموکراسی‌ها به عنوان متحد و شریک ندارد. شما می‌توانید یک دوست باشید - در واقع یک دوست عالی، همان طور که او گاهی اوقات به شی جین پینگ اشاره می‌کند - و رهبر یک سیستم سیاسی سرکوبگر باشید یا می‌توانید رئیس یک دموکراسی باشید و با خشم او روبه‌رو شوید.

همچنین برای دولت بایدن، تثبیت مجدد رهبری آمریکا در عرصه جهانی بسیار مهم بود: بازگشت به توافق‌نامه‌های اقلیمی پاریس و شورای حقوق بشر سازمان ملل. ترامپ ما را از این سازمان‌ها خارج کرده است، اما باز هم این بدان معنا نیست که او در مورد چیزهایی مانند فناوری، اهل رقابت نیست. تلاش‌های رئیس جمهوری برای رقابت در حوزه‌های مرزی استراتژیک - قطب شمال، استخراج معادن بستر دریا، فضا - کمتر گزارش شده است. این موارد نیز برای دولت بایدن مهم بودند، اما تأکید مجددی از سوی دولت ترامپ بر اشکال جدید سرمایه‌گذاری وجود دارد که برای تقویت ایالات متحده از نظر قابلیت‌های واقعی ما طراحی شده‌اند، مانند قراردادی با فنلاند برای ساخت چهار کشتی یخ‌شکن جدید قطب شمال.

ما باید وقت بگذاریم و نه تنها به آنچه رئیس جمهوری می‌گوید و آنچه تحلیلگران از لفاظی‌های او برداشت می‌کنند، بلکه به آنچه این دولت در عمل انجام می‌دهد، نگاه کنیم. در هر دو دولت، از نظر ارزیابی و پاسخ به چین، شاهد تداوم بیشتری هستیم. تفاوت بیشتر در رویکرد است: دولت ترامپ تمایل دارد با متحدان و شرکای ما بسیار قهری‌تر باشد اما دولت بایدن از همان ابتدا سعی کرد بسیار بیشتر به سمت مشارکت گرایش داشته باشد.

شما توصیه می‌کنید که نباید زیاد روی حرف‌های ترامپ تمرکز کرد. اما چیزی که هفته گذشته مطرح نشد، تایوان بود. با توجه به تفاوت کلیدی که شما بین نحوه سازماندهی دموکراسی‌ها و استبدادها توسط بایدن و ترامپ توصیف می‌کنید، چقدر مهم است که طبق گزارش‌ها نام تایوان مطرح نشد؟ این برای تایوان در آینده چه معنایی دارد؟

صادقانه بگویم، مطمئنم که تایوانی‌ها از اینکه موضوع تایوان مطرح نشد، بسیار آسوده خاطر بودند. به ندرت پیش می‌آید که در دیداری با یک رهبر چینی، به نوعی موضوع تایوان مطرح نشود و آنها به دنبال اعمال فشار بر ایالات متحده برای تأیید «اصل چین واحد» یا تلاش برای وادار کردن دولت به کاهش فروش اسلحه به تایوان نباشند. اما ظاهراً این جلسه صرفاً بر روابط تجاری متمرکز بوده است.

ترامپ گفته است که شی جین پینگ تا زمانی که او در قدرت است، علیه تایوان اقدام نظامی نخواهد کرد، زیرا شی عواقب آن را می‌داند. این گفته ترامپ به این تبدیل شده است که شی جین پینگ به او گفته است که اقدامی نخواهد کرد. من نمی‌دانم که آیا او در صحبت کردن اشتباه می‌کند یا اینکه این فقط ادامه چیزی است که دقیقاً درست نیست، زیرا برای شی جین پینگ بسیار غیرمعمول خواهد بود که واقعاً به ترامپ متعهد شود که قصد انجام هیچ اقدام نظامی را ندارد.

در هر صورت، ملاحظات ساختاری برای این دولت وجود دارد که فکر کردن به یک معامله گسترده‌تر که تایوان را نیز در بر بگیرد، کار را برای ترامپ دشوار می‌کند، بویژه اولویت ما در مورد امنیت هند و اقیانوس آرام، زیرا تایوان برای امنیت ایالات متحده بسیار مهم است. ما همچنین برای نیمه‌رساناهایی که برای صنایع دفاعی و فناوری خود به آنها نیاز داریم، به تایوان وابستگی فوق‌العاده‌ای داریم. کار رئیس جمهوری برای بازسازی قابلیت‌های ایالات متحده در نیمه‌رساناها تا زمانی که او دفتر خود را ترک کند، کامل نخواهد شد، بنابراین اگر او اینقدر تمایل داشته باشد واقعاً فرصتی برای یک معامله بزرگ با مشارکت تایوان وجود ندارد.

روزنامه وال استریت ژورنال اخیراً مقاله‌ای درباره «استراتژی جدید ترامپ برای چین منتشر کرد که دیگر از آن دستورالعمل قدیمی دیپلماتیک چین خبری نیست. بله، در مورد مسائلی که ترامپ شخصاً به آنها اهمیت می‌دهد، امتیازاتی داده خواهد شد اما طبق این مقاله، برنامه واقعی این است که مطابق تاکتیک‌های ترامپ با نسخه چینی در فشار حداکثری مقابله شود، همان‌طور که در مواجهه با گام بزرگ چین برای کنترل صادرات عناصر خاکی کمیاب و مواد معدنی حیاتی دیده می‌شود. آیا فکر می‌کنید چین در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ رویکرد بسیار سخت‌تری نسبت به او اتخاذ می‌کند و اگر چنین است، آیا این رویکرد مؤثر است؟

آنها قطعاً رویکرد سختگیرانه‌تری در پیش می‌گیرند، اما من فکر می‌کنم آنها رویکرد سختگیرانه‌ای اتخاذ می‌کنند چون می‌توانند. بخشی از مشکل دولت ترامپ، از ابتدای دوره دوم، این بود که آنها بشدت در مورد میزان اهرم فشار ایالات متحده در فضای تجاری با چین اشتباه قضاوت کردند. اعضای این دولت این فرض را داشتند که ما اهرم فشار بیشتری داریم زیرا چین صادرات بسیار بیشتری به ایالات متحده نسبت به ایالات متحده به چین دارد. اما این فرض این واقعیت را نادیده می‌گرفت که ما وابستگی بسیار بیشتری به کالاهایی داریم که برای امنیت اقتصادی و ملی ما حیاتی هستند، همان‌طور که در مورد عناصر خاکی کمیاب و مواد دارویی فعال دیده‌ایم.

فکر نمی‌کنم آمادگی زیادی انجام شده باشد؛ فکر می‌کنم دولت با چین همان‌طور رفتار کرد که با همه کشورهای دیگر هنگام شروع این جنگ تجاری عظیم جهانی رفتار کرد و چین اعلام کرد: «ما مانند هیچ کشور دیگری نیستیم و در واقع اهرم فشار بیشتری داریم.» شی جین پینگ اکنون پنج سال بیشتر از آغاز دوره اول ریاست جمهوری ترامپ در قدرت بوده است. او اعتماد به نفس بیشتری دارد: اقتصاد چین رشد کرده است و آنها به طور فزاینده‌ای در بسیاری از بخش‌ها به یک بازیگر غالب تبدیل شده‌اند، بنابراین ظهور چین در صحنه جهانی بسیار جلوتر است.

چینی‌ها وقت گذاشتند تا برنامه‌ریزی کنند که چه نوع تلافی جویی می‌توانند علیه ایالات متحده انجام دهند. آنها ابزارهای تلافی جویانه خود را به شیوه‌هایی تقویت کردند که این دولت برای آن آماده نبود.

کجای کار آمریکا اشتباه بود که به اینجا رسید که چین چنین انحصاری در مواد معدنی حیاتی دارد؟ این موضوع چقدر برای چین مزیت خواهد داشت؟

مهم است که بدانیم چین در طول ۳۰ سال گذشته این تسلط بر استخراج و فرآوری عناصر نادر خاکی را به دست آورده است که بخش عمده‌ای از آن به این دلیل است که استخراج و فرآوری عناصر نادر خاکی کاری بشدت کثیف و آلاینده است و چین از عواقب زیست‌محیطی این تسلط رنج برده است. این چیزی بود که شما فکر می‌کردید ایالات متحده و اکثر اقتصادهای پیشرفته دیگر از آن عبور کرده‌اند.

برای ۳۰ سال سیاست و رابطه‌ای که بر اساس تعامل و جهانی شدن بنا شده بود، به نظر نمی‌رسید که ما با اجازه دادن به چین برای به دست گرفتن این نوع موقعیت انحصاری، اشتباه بزرگی مرتکب شده باشیم. ما هیچ احساسی نداشتیم که در مقطعی، چین از این عناصر نادر خاکی به شیوه ابزار قهری اقتصادی استفاده کند تا اینکه آنها این کار را در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ با ژاپن انجام دادند. این لحظه‌ای است که ما باید برای تنوع بخشیدن به زنجیره‌های تأمین خود و بازگشت به این تجارت، کارهای بیشتری انجام می‌دادیم؛ حداقل، شروع به کار بیشتر روی بازیافت عناصر نادر خاکی می‌کردیم.

با این وجود، ما در یک نقطه ضعف بزرگ هستیم؛ چه از نظر عناصر خاکی کمیاب سبک و چه از نظر توسعه عناصر خاکی کمیاب سنگین. ما در حال باز کردن سرمایه‌گذاری‌های خودمان هستیم. اما سه تا پنج سال طول می‌کشد تا ما در بخش عناصر خاکی کمیاب، استقلال ظاهری خود را بازیابیم.

بسنت گفته است که ما این کار را با سرعت بالایی انجام خواهیم داد، بنابراین شاید بتوانیم بازه زمانی را کمی کوتاه‌تر کنیم - اما این مدت زمان بسیار فراتر از تعلیق یک ساله‌ای خواهد بود که چینی‌ها با این توافق تجاری اعمال کرده‌اند. نکته بسیار مهمی که باید در مورد این توافق به خاطر داشت این است که بسیاری از بخش‌های آن فقط برای یک سال معتبر هستند.

چینی‌ها این رقابت عناصر خاکی کمیاب را فقط علیه ایالات متحده آغاز نکردند. آنها آن را در سطح جهانی آغاز کردند و طوفانی از آتش به پا کردند. و من فکر نمی‌کنم که آنها حتی آماده بودند که در مورد چگونگی اجرای آن فکر کنند. آنها گفته‌اند که قصد دارند این فرآیند کنترل صادرات عناصر خاکی کمیاب را اصلاح و مطالعه کنند. آنها نگفته‌اند که این موضوع برای همیشه از روی میز برداشته شده است. بنابراین، ما باید خیلی سریع کار کنیم، زیرا یک سال دیگر آنها برخی کنترل‌های صادراتی بر عناصر خاکی کمیاب سنگین را خواهند داشت که قرار است صنایع دفاعی ما را هدف قرار دهند.

فراتر از مواردی که مطرح شد، مسائل اساسی و ساختاری زیادی در رابطه دو کشور وجود دارد که مطرح نشد: یارانه‌های صنعتی، موانع دسترسی به بازار، جاسوسی سایبری. کمی در مورد مقیاس همه این مسائل صحبت کنید. برای مطرح کردن این مسائل چه چیزی لازم است؟

اقتصاد چین تمام این ظرفیت مازاد را صادر می‌کند و با خودروهای برقی، باتری‌های لیتیومی، پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی، در حوزه انرژی پاک بر جهان تسلط دارد و ما شاهد این اتفاق در بخش‌های مختلف خواهیم بود. وقتی به پلتفرم «ساخت چین ۲۰۲۵» شامل ۱۰ فناوری پیشرفته و حیاتی، چه مواد جدید، هوش مصنوعی یا نیمه‌هادی‌ها، نگاه می‌کنید، این همان راهکاری است که چین در پیش گرفته است.

اگر برای درک ماهیت بنیادی مدل چینی اقدامی نکنیم، ایالات متحده و جهان در طیف وسیعی از بخش‌ها غرق در فناوری چینی خواهند شد. تنها راهی که ایالات متحده می‌تواند واقعاً با موانع ساختاری در اقتصاد چین مقابله کند، همکاری نه‌تنها با متحدان و شرکای سنتی خود، بلکه با اقتصادهای نوظهور برای اعمال فشار بر چین است.

ما، حداقل در حوزه خودروهای برقی، دیده‌ایم که فقط ایالات متحده، اروپا، ژاپن و کره جنوبی نبودند که از پذیرش همه خودروهای برقی چینی خودداری کردند. مجموعه‌ای کاملاً جدید از کشورها - برزیل، هند و ترکیه - پا پیش گذاشتند و گفتند که ما نمی‌توانیم صنایع نوپای خود را قبل از اینکه حتی فرصتی برای رشد داشته باشند، از بین ببریم. بنابراین، من فکر می‌کنم ایالات متحده می‌تواند در اینجا نقشی ایفا کند، اما این مستلزم آن است که ما کاری را انجام دهیم که این دولت معمولاً به‌خوبی انجام نمی‌دهد، یعنی ارتباط برقرار کردن و گرد هم آوردن متحدان و شرکا به روشی متمرکز.

نکته‌ای که باید اضافه کنم این است که چینی‌ها به دسترسی بیشتر به بازار ایالات متحده علاقه‌مند هستند. ما در چهار تا شش سال گذشته نگرانی بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری چین در ایالات متحده داشته‌ایم؛ این سرمایه‌گذاری اساساً از یک پرتگاه سقوط کرده است. بنابراین اگر ما مایل به ایجاد دسترسی بیشتر برای سرمایه‌گذاری چین در ایالات متحده باشیم، ممکن است طرف چینی نیز تا حدودی متقابلاً عمل کند.

یکی دیگر از تفاوت‌های کلیدی بین دولت دوم ترامپ و دولت بایدن این است که ایالات متحده از راز پنهان خود - اتحادهایش - عقب‌نشینی کرده است. این موضوع چگونه دیدگاه کشورهای جنوب نسبت به رقابت ایالات متحده و چین و واگذاری فضای ژئوپلیتیکی توسط آمریکا را تغییر می‌دهد؟ آیا کشورها شروع به روی آوردن بیشتر به چین کرده‌اند؟

ما شاهد نظرسنجی‌های زیادی از اقتصادهای نوظهور بوده‌ایم که نشان می‌دهد از زمان روی کار آمدن دولت ترامپ، سطح جذابیت ایالات متحده برای بسیاری از کشورها کاهش یافته است. تصمیم برای ادغام آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) در وزارت امور خارجه با ظرفیتی بسیار کمتر، پیامدهای گسترده‌ای داشته است، همان‌طور که خروج از توافقنامه پاریس و سازمان جهانی بهداشت نیز پیامدهای گسترده‌ای داشته است.

ما کاملاً خود را از بازی خارج نکرده‌ایم و هنوز هم جایی برای بازیابی و جبران خسارت وجود دارد. من از توافقنامه‌های رفاه فناوری که با بریتانیا، ژاپن و کره جنوبی امضا کرده‌ایم بسیار دلگرم شده‌ام. همچنین از بحث‌های هگست در مورد تأیید تعهد امنیتی ما در هند و اقیانوسیه اطمینان دارم. شاید پس از آشفته کردن نظام بین‌المللی و حمله به متحدان و شرکایمان در ۹ ماه اول، دوباره به بازسازی برخی از این روابط برگردیم. به طور کلی، کشورهای منطقه هند و اقیانوسیه نسبت به دولت ترامپ خوشبین‌تر از متحدان اروپایی ما هستند. رئیس جمهوری کره‌جنوبی یک تاج طلای عظیم و یک مدال به ترامپ هدیه داد، آیا چیزی جذاب‌تر از این برای او وجود دارد؟ آنها ترامپ را درک می‌کنند و تمایل به تعامل با او دارند و تا حدودی، اروپایی‌ها نمی‌خواهند این کار را انجام دهند.

> تنها راهی که ایالات متحده می‌تواند واقعاً با موانع ساختاری در اقتصاد چین مقابله کند، همکاری نه‌تنها با متحدان و شرکای سنتی خود، بلکه با اقتصادهای نوظهور برای اعمال فشار بر چین است

> کشورهای منطقه هند و اقیانوسیه نسبت به دولت ترامپ خوشبین‌تر از متحدان اروپایی ما هستند. رئیس جمهوری کره‌جنوبی یک تاج طلای عظیم و یک مدال به ترامپ هدیه داد، آیا چیزی جذاب‌تر از این برای او وجود دارد؟

برش

ما در مورد واگذاری فضا توسط ایالات متحده زیاد صحبت کرده‌ایم. دیدگاه چین در مورد خلأها در عرصه‌های مختلف جهانی چیست؟ آیا می‌خواهد به حوزه‌هایی که آنها را خلأ می‌داند، وارد شود؟

من اغلب فکر می‌کنم چین می‌خواهد حقوق یک ابرقدرت جهانی را بدون مسئولیت‌ها داشته باشد. چین زمان و فضا می‌خواهد تا این خلأ را به صلاحدید خود پر کند. این کشور در چند زمینه چند گام برداشته است - به کامبوج رفت و میلیون‌ها دلار در پروژه‌هایی که ایالات متحده قبلاً داشت، جذب کرد - اما قرار نیست جایگزین ایالات متحده شود و هیچ علاقه‌ای به انجام این کار ندارد. چین می‌تواند در حوزه‌هایی مانند سازمان جهانی بهداشت یا تغییرات اقلیمی جهانی، صرفاً با انجام کاری که انجام می‌دهد، پیروز شود. اگر ما خودمان را از بازی خارج کرده باشیم - اگر سنگ‌هایمان را برداشته و به خانه برگشته باشیم - چین برای رهبر بودن نیازی به تغییر بازی خود ندارد. چین انتخاب خواهد کرد که کجا می‌خواهد این خلأ را پر کند و تا جایی که بتواند این خلأ را صرفاً با تأکید بر این واقعیت که ایالات متحده دیگر کاری را که قبلاً انجام می‌داد، انجام نمی‌دهد، پر کند، فکر می‌کنم این کار را خواهد کرد.